

مصلحت و احکام حکومتی



نویسنده

مجتهد پورسوسو



انتشارات ندای مردم

سرشناسه: پورسهی، مجید، ۱۳۵۱-
عنوان و نام پدیدآور: مصلحت و احکام حکومتی / نویسنده مجید پورسهی.
مشخصات نشر: تهران: ندای مردم، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۵۱ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۳۶۷-۹-۷
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
موضوع: مصلحت (اصول فقه)
موضوع: (Islamic Iwa) Convenience
موضوع: حکم حکومتی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع: Islam -- Religious aspects -- Act of state
موضوع: اسلام و دولت - Islam and state
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۸ م ۹۶ پ ۱۶۱/۷ BP
رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۳۱
شماره کتابشناسی ملی: ۵۶۲۴۳۶۴

انتشارات نسیم

مصلحت و احکام حکومتی

نویسنده: مجید پورسهی

مدیر تولید و ناظر چاپ: مجتبی طلوعی جدی

صفحه‌آرایی: سعید سعیدی شفیق

چاپ و صحافی: ماهان

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۸، تیراز: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۳۶۷-۹-۷

آدرس: خیابان پیروزی، خیابان مقداد، خیابان ۱۳ غربی (شهید رفعت نیا) پ ۱۴-واحد ۱

۶۶۹۷۵۰۳۵-۳۳۰۶۴۰۲۹

فهرست

۷	مقدمه
۱۱	اول: مصلحت در نظام اسلامی و رابطه آن با مقتضیات زمان
۱۱	۱- اسلام و مقتضیات زمان
۱۳	اول: عقاید
۱۲	دوم: اخلاق
۱۲	سوم: احکام
۱۳	چهارم: احکام حکومتی
۱۴	۲- قلمرو حکم حکومتی در مقایسه با احکام اولیای الهی
۱۵	اول: تفاوت احکام حکومتی با احکام اولی
۱۵	دوم: تفاوت احکام حکومتی با احکام ثانوی
۱۶	۳- ملاک‌های حکم حکومتی
۱۶	اول: عناوین ثانوی ضرورت، نفی ضرر و نفی عسر و حرج
۱۷	دوم: مصلحت
۱۷	۴- مصلحت و عقلانیت
۱۹	اول: ادله اعتبار احکام حکومتی
۱۹	الف) قرآن کریم
۲۱	ب) سنت
۲۱	ج) عقل
۲۲	۵- قلمرو حکم حکومتی
۲۲	اول: قلمرو موضوعی حکم حکومتی

- ۲۳ دوم: قلمرو زمانی حکم حکومتی
- ۲۴ سوم: قلمرو مکانی حکم حکومتی
- ۲۵ ۶- حدود حکم حکومتی
- ۲۶ الف- تقید به امور اجتماعی
- ۲۶ ب- تقید به عدم تخطی از موازین شرعی
- ۲۸ ج- تقید به عناوین مربوطه
- ۲۹ د- حدود زمانی
- ۲۹ د: رابطه مصلحت با احکام حکومتی
- ۲۹ الف: ضوابط ساخت
- ۲۹ اول: اهرم مهم
- ۳۱ دوم: حفظ اساس و نظام اسلامی
- ۳۶ سوم: در نظر گرفتن احکام شرعی
- ۳۹ چهارم: تشخیص مصلحت
- ۴۲ ب: نقش مصلحت در احکام حکومتی
- ۴۵ ج: حکم حکومتی در ساختار جمهوری اسلامی ایران
- ۴۶ سوم: مصلحت پس از انقلاب اسلامی

مقدمه

یکی از اصطلاحات پر کاربردی که در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی مطرح می‌شود اصطلاح "مصلحت" است. در علم حقوق رسماً اسانی و در حوزه‌ی کلام نیز این اصطلاح مطرح است آن جا که در بررسی افعال الهی معلل بدان به حکمت و مصلحت مورد بررسی قرار می‌گیرد. بارها در محاورات عرفی نیز می‌شنویم که گفته می‌شود: این امر تابع "مصلحت" است و یا می‌گوییم: احکام الهی تابع مصالح است. در اینجا این سؤال مطرح است که چه مصلحتی ملاک عمل است؟ وجه کسی می‌تواند این مصالح را تشخیص دهد؟ بعضی اوقات حتی به یک بیمار سفارش می‌شود که برای بهبودی خود از برخی موجودات استفاده کند و خیر و صلاح او، در فدا شدن و نابودی موجودی در آن است. در این حالت نیز می‌شنویم که گفته می‌شود "مصلحت" در این امر بود. و یا وقتی می‌گوییم احکام الهی بر اساس مصالح و مفاسد است. یعنی به این معناست که تحقق احکام الهی موجب خیر و صلاح بشر است مثلاً در اقامه و برپا داشتن نماز صبح، لازم است از خواب شیرین صبح بگذریم، اما در عوض، تحمل این رنج و سختی، به تحقق کمال بالاتر می‌رسد که به آن "مصلحت" می‌گوییم. سؤال در این است که مصلحت و مصالح به چه معناست؟ و از طرفی یکی از موضوعاتی که همواره در احکام اسلامی مطرح است آن است

که احکام در مواجهه با چالش‌های عصر حاضر و اعصار آینده چگونه عرضه اندام می‌کند و بهره‌مندی صرف از ادله اربعه رهگشای نیازها نخواهد بود و نیاز به مبانی دیگر، ضروری به نظر می‌رسد. از طرفی می‌دانیم که بدون شک احکام اسلام که حاوی معارف جامع و کامل است قادر است تا نیازهای بشر در هر عصر را پاسخگو باشد و همچنین می‌دانیم که هدف اصلی فقه و احکام اسلامی، جهت دادن به زندگی و پویایی و نواندیشی است. و از آنجائیکه گوهر دین، فراتر از زمان و جهان شمول است و گذر زمان و تحولات شتابان اجتماعی بازهم این سؤال را در پی دارد که چگونه احکام ثابت می‌تواند پاسخگوی نیازهای معتبر بشری باشد؟ و آیا منابع دیگری نیز این امکان را فراهم می‌سازد تا به نیازهای مردم آینده، جدید پاسخی مناسب بدهد؟

این سؤال رباره همه‌ی احکام به‌ویژه مجازات‌های ثابت اسلامی بیشتر قابل طرح است با توجه به اینکه مجازات‌های ثابت اسلامی بخصوص مجازات‌های حدی و احکام کیفری بیش از همه احکام دیگر مورد شبهه و ایراد است. دو نظر در پاسخ این سؤال مطرح است نخست آنکه تغییر شرط هیچ تأثیری در اجرای مجازات‌های اسلامی ندارد و کیفرها باید اجرا گردد و در ادامه با توجه به شرایط و در نظر گرفتن مصالح و مصلحت موجود باید عمل کرد. در برخی موارد جعل احکام برای موضوعی که هیچگونه روایت و یا اجماعی درباره آن وجود ندارد شایطی^۱ فراهم می‌سازد که مشروعیت و یا عدم مشروعیتی برای مصلحت آن حکم وجود ندارد و شارع در مورد مصلحتی سخن نگفته است و آن را به ما واگذار کرده است که به آن مصالح مرسله و مصلحت‌ها شده می‌گوییم. و سوال این است که آیا این مصلحت‌ها شده هم به عنوان منابع شرعی مطرح است یا خیر؟ و دیدگاه‌های فقه امامیه در این باره چیست؟ حتی در برخی مواضع در صورت معاملات نیز به موضوع مصالح برخورد می‌کنیم مثلاً معامله با شخصی که بدهی او بیش از دارایی‌اش باشد. در برخی از مذاهب این نوع معامله را باطل دانسته‌اند^۲ مبنای آن را جز رعایت مصالح نمی‌دانند. و معامله با چنین شخصی را که ممکن است با مبادرت به بیع و یا هبه و صلح خود را تهی دست اعلام دارد و از این طریق موجب ضرر و زیان بر طلبکاران گردد

۱- نظریه حنابله، محمدی، علی، شرح اصول فقه ۲/۲۲۲ و ۲۲۵، باب قیاس

که این خلاف مصالح است لذا معاملات او را نافذ نمی‌دانند. برخی دیگر معامله با چنین شخصی را نافذ دانسته‌اند آنچه در اینجا می‌توان گفت مسأله مصلحت پیشینه‌ای به بلندای همه تاریخ فقه و اصول دارد.

اما همچنان محتاج رویکردی نو و موشکافانه دارد. مخصوصاً در فقه امامیه، با عنایت به پذیرش قاعده تبعیت احکام از مصالح و مفاسد واقعی، غالباً با یک نگاه (انی) بدان پرداخته می‌شود. نه یک نگرش (لمی) به طور مثال؛ گفته‌اند فلان عمل واجب شده است پس تماماً رای مصلحت است. نه این که فلان رفتار، مصلحت دارد، پس باید واجب باشد. شناخت مقدمات: مان و مکان در اجتهاد و مسأله مصلحت می‌تواند منشأ تأثیرات شگرف در صحنه اجتماع باشد. در دهه‌های اخیر با پیدایش انقلاب اسلامی و تشکیل حکومتی بر مبنای فقه شیعی، توجه به مصلحت نیز ضرورت یافته است و بر اهتمام عملی به مصلحت در فقه افزوده است.